

ماچناحه

• • ویژه نامه ی دهبه ولایت (عید قربان تا عید غدیر)

ذی الحجه ۱۴۳۹ - شهریور ۱۳۹۷ - سال چهارم - شماره ۵

مدرسہ علمیہ زینبیہ (سلام اللہ علیہا) فارسان

مدیر مسئول: فاطمہ امیدی


سر دبیر: صدیقہ خدادادی

طراح و کرافیت: صدیقہ خدادادی

ہیات تحریریہ:

فاطمہ قاسمی خواہ، محبوبہ ہمتی





فهرست مطالب:

سخن سردبیر

پیشگفتار

معرفی کتاب

آشنایی با قربان

شناخت غدیر

سیری در زندگی شهید علی اندرزگو

خطبه شقشقیه

چند دقیقه با دانستنی ها

مسابقه پیامکی

شعر

از روز عید قربان تا روز عید غدیر در واقع یک قطعی است متصل و
مرتبط با مسئله امامت.

امتحان الهی برای این نیست که خدا ما را بشناسد، بپندارد چه وزنی، در چه حدی
هستیم؛ خود امتحان در حقیقت یک گام است به سوی مقصد.

عید قربان، عید فرصت هاست؛ فرصت تقرب به خداوند و پاکي نفس از
آلودگی و تعلقات دنیایی.



با سلام و احترام خدمت همه دوستان نشریه ی تسنیم؛

به لطف خدا و یاری شما خوانندگان محترم گاهنامه تسنیم مورد توجه مخاطبان خویش قرار گرفت و در راستای اهداف اجتماعی، پژوهشی، فرهنگی، مذهبی و... در سری چهارم به عنوان نشریه ی برتر استان انتخاب شد در این مجال با همتی استوارتر در پی نشر مطالبی سودمند و کاربردی هستیم و سری پنجم این ماهنامه را با موضوع دهه ولایت تقدیم شما عزیزان می کنیم باشد که مورد استعانت خداوند متعال و توجه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

آدرس و شماره تماس ارتباط با سردبیر:

استان چهارمحال و بختیاری - شهرستان فارس - بلوار آیت الله خامنه ای - مدرسه علمیه زینبیه سلام الله علیها

09364015186 - Khodadad5186@gmail.com



پیشگفتار

قربان و غدیر، نقطه تلاقی شان امامت و ولایت است، آن هم ولایت مطلقه کلیّه، یعنی ولایتی که بر همه مخلوقات از قبیل جمادات، گیاهان، حیوانات، انسان و فرشتگان عرضه شد و در رسول اکرم (ص) امیر المؤمنین علی (ع) و یازده جانشین آنهاست - تمام درجات و مناجات پیامبر اکرم (ص) اولیاء و اوصیاء به همین ولایت برگشته و این ولایت از فنای بنده در حق و بقای بنده به وسیله حق سرچشمه می گیرد.

زمانی که خداوند حضرت ابراهیم - علیه السلام - را به امتحانات گوناگون آزمود و ایشان همه آنها را به اتمام رساند، خداوند به ایشان فرمود: تو را امام برای مردم قرار دادم و او گفت آیا از ذریه من هم کسی به امامت می رسد، خداوند فرمود، عهد من «امامت و ولایت» به ستمگران نمی رسد.

معرفی کتاب:



کتاب الغدیر: علامه امینی در حوزه کهن نجف اشرف از محضر بزرگانی چون سید محمد حسینی فیروزآبادی (متوفای ۱۳۴۵ هـ)، سید ابوتراب بن ابوالقاسم خوانساری (متوفای ۱۳۴۶ هـ)، میرزا حسین نائینی نجفی (متوفای ۱۳۵۵ هـ)، سید ابوالحسن موسوی اصفهانی (متوفای ۱۳۶۵ هـ)، شیخ محمد حسین اصفهانی غروی (متوفای ۱۳۶۱ هـ) و شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (متوفای ۱۳۷۳ هـ) بهره برد*. تلاش چهل ساله علامه امینی برای نوشتن «الغدیر»

علامه امینی هرچند در عمر نسبتاً کوتاه خود (نزدیک به هفتاد سال)، خدمات بسیاری به علوم اسلامی ارائه کرده و آثار بسیاری به نگارش



درآورده است، اما او را بیش از همه با کتاب مشهور و بی مانند «الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب» می شناسیم؛ کتابی دائرة المعارفی درباره واقعه

غدیر و اثبات امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که مرحوم علامه امینی حدود چهل سال از عمر بابرکت خود را برای نوشتن این کتاب صرف کرد، هرچند که نگارش این کتاب

به اتمام نرسیده است؛ از نظر ساختاری، یک جلد آن به بحث سندی

حدیث غدیر و مبحث روایی آن می‌پردازد و بقیه جلد‌ها واقعه غدیر را در شعر و ادب اسلامی از قرون مختلف بررسی می‌کند.

به گفته ماریا دقاق در دانشنامه ایرانیکا، بهترین منبع شیعه دوازده امامی که در دوره معاصر در زمینه غدیر خم نگاشته شده‌است، کتاب الغدیر عبدالحسین امینی است. این کتاب در یازده جلد با این هدف نگاشته شده که همه مطالب در زمینه غدیر خم در آثار سنی و شیعه اعم از حدیث، تاریخ، تفسیر قرآن، شعر، و نیز زندگی‌نامه افراد مشهوری که در زمره راویان یا حافظان این حدیث بودند را جمع‌آوری کند.

مشمول الطاف الهی قرار گرفت و به رحمت او نزدیک گردید. از جمله اعمالی که حجاج در روز دهم ذی‌الحجه در سرزمین منا بعد از رمی جمره عقبه انجام می‌دهند، کشتن شتر یا گاو و یا گوسفند و انفاق آن به مستحقین است تا به وسیله این عمل نیک به رحمت پروردگار نزدیک شوند که آن را قربان گویند و در زبان فارسی (یاء نسبت) به

آن ملحق شده و نامش را قربانی گذارده اند، بنابراین قربانی برای امتثال امر خداوند متعال و تقرب به سوی اوست.

عید قربان را عید اضحی نیز می‌گویند و وجه تسمیه آن چنین است: اضحی جمع است از ماده (ضحی) که به معنای ارتفاع روز و امتداد نور آفتاب می‌باشد و آن هنگامی که خورشید بالا می‌آید (قبل از ظهر) و آن موقع را ضحی گویند، چنان‌که در قرآن کریم آمده است: والشمس و ضحیها (قسم به خورشید و چاشتگاه

هدف از این نوشته کوتاه، بحث از زندگی و خدمات علمی و اجتماعی علامه امینی و یا بحث علمی و مفصل درباره کتاب شریف الغدیر نیست؛ بلکه مقصود این است که به مناسبت چهل و هفتمین سال درگذشت آن دانشمند گرانقدر، تنها به گوشه‌ای از زحمات او در نگارش کتاب

الغدیر، اشاره‌ای کنیم. از این رو، در این نوشتار به بحثی کوتاه درباره دستیابی علامه امینی به منابع الغدیر و نگارش الغدیر بر پایه این منابع می‌پردازیم. کتاب الغدیر که بیست جلد بوده و تعداد ۱۱ جلد آن به چاپ رسیده و گویا بقیه مجلدات آن بنا بر مصالحی، چاپ

آشنایی با قربان

قربان عبارت از کارهای نیکی است که انسان به وسیله آن بخواهد خود را به رحمت خداوند نزدیک کند. بنابراین عمل نیکی که انسان انجام دهد تا بدان وسیله خوشتن را به رحمت حق تعالی نزدیک سازد، آن کار را قربان گویند؛ مانند فرمایش رسول اکرم(ص) که فرمود: نماز موجب تقرب و نزدیکی هر پرهیزکار به رحمت پروردگار است.

بدیهی است که مراد از تقرب به خدای تعالی، قرابت زمانی و مکانی نیست، چه بین خالق و مخلوق هیچ‌گونه خویشاوندی وجود ندارد بلکه منظور آن است که از راه طاعت و انجام کارهای شایسته می‌توان

آن). و چون حجاج موقع بالا آمدن آفتاب قربانی می‌کنند و قربانی را اضحیه یا ضحیه گویند، بدین سبب روز دهم ذی‌الحجه را که قبل از ظهر آن، عمل قربانی انجام می‌شود، عید اضحی نیز گفته‌اند.

عید قربان، قربانی کردن، زیارت امام حسین(ع) و خواندن دعای ندبه، مستحب است. روزه گرفتن در عید قربان مانند عید فطر بر اساس منابع دینی حرام است.

تاریخچه

حضرت ابراهیم بنابر رؤیایی که دیده بود مأمور قربانی کردن فرزندش شد. در هنگام قربانی، ابراهیم پیشانی پسرش را بر زمین نهاد و تیغ تیز بر حلق او گذارد اما کارد گردن او را نبرید و سرانجام هنگامی که پدر و پسر تسلیم بودن کامل خود در برابر فرمان الهی را نشان دادند، خداوند عمل او را قبول نمود و ابراهیم به جای قربانی فرزندش قوچی را که جبرئیل آورده بود قربانی نمود. سنت قربانی در روز عید قربان یادبود رخداد ذبح اسماعیل می‌باشد. بنابر برخی روایات، تمام حیواناتی که در سرزمین منا در روز عید قربان ذبح می‌شوند؛ فدیة حضرت اسماعیل می‌باشند.

در عصر جاهلیت قربانی کردن از پلیدی شرک مبرا نبود. کعبه را با خون قربانی آلوده می‌کردند و گوشت آن را بر خانه کعبه می‌آویختند تا خداوند آن را قبول کند. در قرآن کریم این رسم مذموم خوانده می‌شود و شرط قبولی قربانی تقوا معرفی می‌شود. همین تقوا و خلوص برای قربانی کردن است که این روز نحر، حج اکبر نامیده می‌شود.

اعمال شب عید قربان

از امام صادق(ع) روایت شده که از پدرانش چنین نقل فرمودند: «امام علی(ع) دوست داشت چهار شب از سال، خود را فارغ نماید؛ شب اول رجب، شب نیمه شعبان، شب عید فطر و شب عید قربان» به نظر می‌رسد که منظور از فراغت، فراغت برای عبادت در آن با زنده نگهداشتن آن باشد. همچنین در شب و روز عید زیارت امام حسین(ع) مستحب است.

عید قربان یا عید الاضحی

از عیدهای بزرگ مسلمانان که در روز دهم ذی حجه واقع شده است. بنابر روایات دینی، در این روز خدا به ابراهیم خلیل فرمان داد اسماعیل را ذبح کند. او اسماعیل را به قربانگاه برد

ولی جبرئیل همراه با «قوچی» فرود آمد و ابراهیم آن را به جای اسماعیل

قربانی کرد. سنت قربانی در روز عید قربان در سرزمین منا به یاد آن رخداد است. مسلمانانی که برای حج، به زیارت خانه خدا می‌روند، طبق شروطی وظیفه دارند در



عبادت در این روز

در شب و روز عید قربان بسیار سفارش شده و احیای شب عید قربان به دعا، نماز و نیایش بسیار پر فضیلت است. در روز عید قربان اعمالی مانند غسل، نماز

اعمال روز عید قربان

روز عید قربان روز پر فضیلتی است. اعمال این روز چند چیز است:

که به گفته علامه مجلسی، غسل در آن روز سنت مؤکد است

: این نماز در زمان حضور امام معصوم (ع) واجب است؛ اما در زمان غیبت امام زمان (عج) مطابق فتوای مشهور فقهای شیعه، مستحب مؤکد است



مستحب است دعاهایی را که پیش از نماز عید و قبل از آن وارد شده است خوانده شود. بهترین دعاها، دعای چهل و هشتم صحیفه سجادیه است که با عبارت «اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ» آغاز می‌شود و اگر دعای چهل و ششم قرائت شود بهتر است خواندن دعای ندبه در این روز و سایر اعیاد مستحب است.

قربانی کردن: انجام قربانی بر حاجیان حاضر در مکه واجب است؛ اما انجام قربانی در این روز برای همه مسلمانان مستحب مؤکد است، تا آنجا که برخی از علما آن را بر کسانی که توانایی دارند واجب دانسته‌اند و مستحب است بعد از نماز عید، کمی از گوشت آن خورده شود. مستحب است هنگام قربانی این دعا که از امام صادق (ع) نقل شده است خوانده شود: «وَجْهَتْ وَجْهِي لِلذِّی فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ، حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ

مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي»

در حدیثی نقل شده است که امام صادق (ع) فرمود: امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) گوشت قربانی را سه قسمت می‌کردند: یک قسمت آن را به همسایگان می‌دادند و یک قسمت آن را به نیازمندان و قسمت سوم را برای اهل خانه نگه می‌داشتند.

این روز گفته شود: برای کسانی که در این ایام در مراسم حج و صحرای منا هستند، بعد از پانزده نمازهای روزانه این تکبیرها را بخوانند یعنی از نماز ظهر روز عید، شروع کرده تا نماز صبح روز سیزدهم؛ ولی کسانی که در آن جا نیستند، بعد از ده نماز آنها را می‌خوانند، از نماز ظهر روز عید آغاز نموده، تا نماز صبح روز دوازدهم، و آن تکبیرها مطابق روایت کتاب کافی چنین است: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ اللَّهُ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةٍ الْإِنْعَامِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَلَانَا»

روزه در عید قربان: روزه گرفتن در روز عید قربان مانند عید فطر حرام است

قربانی کردن هواهای نفسانی و ذبح نفس اماره و نوعی
جهاد با نفس

در جهت زدودن تعلقات و وابستگی های دنیوی و
مادی و رهایی از زندان مال پرستی و دنیاطلبی است.

وظیفه با غریزه؟؟؟

عید قربان، عید پیروزی وظیفه بر غریزه است.
مخلوقات خداوند سه دسته هستند:

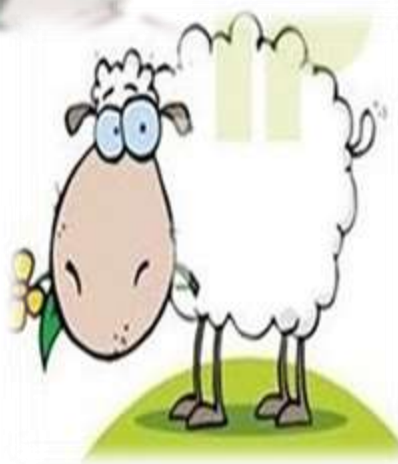
۱- گروهی که فقط پیرو غریزه هستند، مانند:
حیوانات.

۲- گروهی که فقط پیرو وظیفه هستند، مثل: ملائکه.

۳- گروهی که گاهی دنبال غریزه رفته و گاهی دنبال
وظیفه می روند، مانند: انسان.

هرگاه انسان بر سر دو راهی غریزه و وظیفه قرار گرفت
و غریزه را انتخاب کرد، به سوی حیوانات گرویده، بلکه
از حیوانات هم پست تر شده است، چون از عقل و فکر
و رهنمودهای انبیا استفاده ننموده است (اولئک
کالانعام بل هم اضل) آنان همچون چهارپایان بلکه
گمراه ترند. همانا بدترین جنبنده ها نزد خداوند،
انسان هایی هستند که گویا کر و گنگ اند و حاضر به
تعقل هم نیستند. اما همین که انسان در این دو راهی
خطرناک وظیفه را انتخاب نمود و در خط ملائکه و
پاکان قرار گرفت آن را عید می گیرد، مثلاً غریزه
گرسنه گی و تشنه گی و شهوت انسان را به استفاده از
آب و نان و به سوی همسر می کشاند، ولی وظیفه
دستور می دهد که در ماه رمضان خودداری کن،
کسانی که سی روز وظیفه را انتخاب کرده اند، روز عید
فطر را باید عید بگیرند، زیرا وظیفه را بر غریزه ترجیح
داده اند.

آری، عید قربان، روز پیروزی عقل و وحی بر هوی و
هوس است.



فلسفه قربانی کردن در عید قربان

از جمله آموزه های اسلام برای تکامل و رشد انسان
ها، ایثار از جان و مال در راه خداوند یگانه می باشد؛
به این معنا که انسان، همه دارایی ها و امکاناتش را
امانتی الهی بداند که باید در طریق بندگی هزینه کند.
قربانی کردن نیز نمادی از قطع دلبستگی و وابستگی
ها و جلوه ای از ایثار مال و جان در راه محبوب واقعی
و رضای خداوند متعال می باشد. البته آنچه که از
قربانی کردن و رسیدن به مقام قرب الهی به وسیله
ذبح گوسفند، لحاظ شده است قطع علقه های روحی و
مالی است که باعث تقوای قلب و طهارت نفس می
گردد.

خداوند متعال اصل قربانی کردن را از شعائر الله
دانسته و آن را نشانه ی بزرگداشت و سپاس گذاری
مؤمنان بر نعمت هدایت معرفی کرده و قربانی کننده
را در گروه و خیل محسنین و نیکوکاران داخل کرده
است. در قرآن کریم آمده است: «وقتی شما قربانی می
کنید آنچه که متعلق به خدا است، تقوای شماست نه
گوشت و پوست قربانی» بنابراین در قربانی کردن هر
چند ظاهر کار سر بردن است؛ اما واقعیت قضیه
نهایت تسلیم، سرسپردگی، عشق و علاقه بنده به
مولای خود است؛ و در واقع قربانی کردن نمادی از

عید در کلام بزرگان

عید قربان، عیدی است که انسانهای آگاه را به یاد قربانگاه ابراهیمی می‌اندازد؛ قربانگاهی که درس فداکاری و جهاد در راه خدای بزرگ را به فرزندان آدم و اصفیا و اولیای خدا می‌دهد...

این پدرِ توحید و بت‌شکن جهان، به ما و همه انسان‌ها آموخت که عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا بدهید و عیدی بگیرید. خود و عزیزان خود را فدا کنید و دین خدا را و عدل الهی را برپا نمایید. به همه ما ذریه آدم فهماند که مکه و منی قربانگاه عاشقان است و محل نشر توحید و نفی شرک که دلبستگی به جان و عزیزان نیز شرک است."

عیدی که انسان‌های آگاه را به قربانگاه ابراهیمی می‌اندازد، قربانگاهی که درس فداکاری و جهاد را در راه خدای بزرگ به فرزندان آدم و اصفیاء و اولیای خدا می‌دهد. صحیفه نور جلد ۱۸، ص ۸۷



قربانی از چه زمانی معمول شده است؟ تاریخ قربانی بسیار قدیم است و از زمان حضرت آدم ابوالبشر(ع) معمول بوده و در ادیان گذشته نیز جزو مقررات دینی به شمار می‌آمده که شمه‌یی از آن به اختصار بیان می‌شود:

۱- قربانی فرزندان حضرت آدم(ع) که نخستین قربانی در عالم به شمار می‌رود و در آیات ۲۷-۳۰ سوره مائده تصریح شده که خلاصه شرح آن چنین است: دو پسر حضرت آدم به نام هابیل و قابیل به ترتیب شبانی (چوپانی) و کشاورزی می‌کردند و صاحب گوسفندان و آب و خاک فراوان بودند، حضرت آدم(ع) آنان را امر به قربانی در راه خدا کرد. هابیل یکی از بهترین شتران یا گوسفندان را برای قربانی در راه خدا اختصاص داد و قابیل دسته‌یی از گندم‌های پست و نامرغوب را جهت قربانی انتخاب کرد که قربانی هابیل مقبول درگاه پروردگار گردید و قربانی قابیل به علت عدم اخلاص مردود گشت. قابیل به سبب قبول نشدن قربانی حسادت ورزید و آتش خشم و کینه اش زبانه کشید، نفس اهریمنی و شیطانی قابیل او را به کشتن برادر وادار کرد و هابیل را کشت و در دنیا و آخرت زیانکار گردید.

۲- حضرت نوح پیغمبر پس از طوفان، مذبحی ترتیب داد و حیوانات بسیاری در آن جا برای خدا قربانی کرد.

۳- قربانی حضرت ابراهیم خلیل(ع) یگانه فرزندش اسماعیل(ع) که در آیات ۱۰۲ تا ۱۰۷ سوره صافات بیان گردیده است: «فلما بلغ معه السعی الی و فدیناه بذبح عظیم»

۴- در زمان حضرت موسی(ع) به عقیده یهودیان دو نوع قربانی معمول بوده است:

الف)	قربانی دموی
ب)	قربانی غیر دموی

در زبان فارسی هم کلمه قربان به معنی فدا شده و کشته شده در راه دوست استعمال می‌شود چنان‌که به یکدیگر می‌گویند فدایت شوم و قربانت گردم. قربانی دموی بر ۳ قسم به شرح زیر بوده: - قربانی‌یی که آن را به آتش می‌سوزانند و جز پوست

آن چیزی باقی نمی‌گذارند.
 - قربانی‌یی که برای جبران گناه تقدیم می‌کردند و قسمتی از آن را می‌سوزاندند و قسمت دیگر را برای کاهنان باقی می‌گذاشتند.
 - قربانی‌یی که برای تن‌درستی انجام می‌دادند و در خوردن گوشت آن مختار بودند.
 قربانی غیر دموی:
 عبارت از رها کردن حیوان در بیابان‌ها بود و اعراب نیز از بنی اسرائیل تقلید کردند و به عنوان تقرب به بتان خود، حیوانات را در بیابان رها می‌کردند و اسلام این عادات نکوهیده را تحریم کرد و این همان قربانی است که در آیه ۱۰۳ سوره مائده به نام بحیره و سائبه نامیده شده است.



در روایتی که در روضه کافی آمده است، هابیل گوسفندی از دام‌های خود و قابیل مقداری از محصول زراعت خود را برای تقرب به درگاه خدا آوردند؛ در نهایت «فَتَقَبَّلَ قُرْبَانُ هَابِيلَ وَ لَمْ يُتَقَبَّلْ قُرْبَانُ قَابِيلَ» قربان هابیل پذیرفته شد و قربان قابیل مقبول نگشت. (۱)

در این روایت عبارت «قربانی» آمده است و همان معنایی را ارائه کرده که در ابتدا بیان شد.



رسول خدا صلی الله علیه و آله :

يُغْفَرُ لِصَاحِبِ الْأُضْحِيَّةِ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ تَقْطُرُ مِنْ دَمِهَا؛

با ریختن اولین قطره خون قربانی [به زمین]، صاحب قربانی آمرزیده می‌شود.

من لایحضره الفقیه: ج ۲، ص ۲۱۴



قربانی من گنت مولا فهدا علی مولا

قربانی، از دو قسمت «قربان» و «ی» تشکیل شده که ترجمه فارسی آن «نزدیک کننده» و «من» است. در فرهنگ دینی به هر چیزی که سبب قرب و نزدیکی انسان به خدا شود، واژه قربان بر آن اطلاق می‌گردد. در روایت می‌خوانیم: «الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ»؛

نماز نزدیک کننده هر باتقوایی به خداوند متعال است.



شناخت غدیر



اگر جمله داند و در دیم، یقین دارم که آخر شاد کردیم

چو دوی هست دمان نیز باشد، چو خاری هست، ریحان نیز باشد

پای حرف حاج آقای فرحزاد

بسم الله الرحمن الرحيم. در قرآن و روایات موضوعی مهمتر از غدیر و موضوع امامت و ولایت و وصایت امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین نداریم. امروزه بحران جهان، بحران مدیریت است. دچار یک طاغوت‌هایی هستند که اینها را به لجن‌زار می‌برد. مدیریت جهانی امر مهمی است. پیغمبر ما طبق قرآن و روایات فراوان خاتم پیغمبرها است. یعنی دیگر نبوت و رسالت به پیغمبر ما ختم شده است.

بعد از پیغمبر تا قیامت، می‌شود این عالم رها شود؟ پس مهم‌ترین موضوع که بالاترین مسأله‌ی جهان هست، موضوع رهبری و مدیریت جامعه جهانی است. پیغمبر خدا در غدیر خم مهم‌ترین مشکل عالم را می‌خواستند حل

کنند. بعضی فکر می‌کنند پیغمبر(ص) فقط در غدیر خم حضرت علی را معرفی کردند. این حرف غلط است. یک مورد مهم آن در غدیر خم بود. پیغمبر(ص) از روز اول بعثت و رسالتشان تا آخرین لحظه زندگی‌شان با رفتار و گفتار و عمل خودشان، جانشینی و وصایت و خلافت و امامت حضرت علی(ع) را به مردم گوشزد کردند. اوج و یک بخش مهم آن در عید غدیر بود.

حدیث مهمی که شیعه و سنی نقل کردند، حدیث یوم الدار است. آیه‌ای که نازل شد، «وَ أَذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعرا/۲۱۴) پیغمبر ما اول مأمور بودند که فامیل‌های نزدیک را اعلام کنند، پیغمبر شدند تا سه سال هم مخفی بود. فقط امیرالمؤمنین و حضرت خدیجه(س) ایمان آوردند و بعد «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر/۹۴) اعلام دعوت عمومی شد. اولین باری که خواستند اعلام دعوت عمومی کنند، با اطعام شروع کردند. پیغمبر آبگوشتی تهیه کردند و به امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: بستگان نزدیک را جمع کنید. عموها در خانه پیغمبر جمع شدند. پیامبر فرمودند: خدای متعال مرا به پیغمبری مبعوث کرده است. من نماینده خدا شدم. اول کسی که به من ایمان بیاورد، وصی و جانشین من خواهد بود. امیرالمؤمنین(ع) در سن ده سالگی بلند شدند. عرض کردند: من اول کسی هستم که به شما ایمان آوردم. یعنی از روز اول وصی و جانشین معین کردند. در جای جای زندگی می‌فرمودند: تو به منزله‌ی هارون به موسی هستی. تو خلیفه من هستی. تو جانشین و برادر و وزیر و شریک و معاون من هستی. من خواهش می‌کنم عزیزان زود به استقبال ماه محرم نروند. حداقل تا روز ۲۵ ذی الحجه سیاه پوش نکنند. ما روز مباحله را داریم که این روز کمتر از روز غدیر نیست. امام هشتم(ع) فرمودند: مهم‌ترین آیه در مورد جدمان حضرت علی(ع)، آیه‌ی مباحله است. یعنی از غدیر مهم‌تر است. آیه تطهیر، انگشتر دادن در حال رکوع، آیه ولایت، سوره «هل آتی»، اینها را ادامه بدهند و به غدیر

خم تمام نکنند. روز بیستم ذی الحجه ولادت حضرت کاظم(ع) است.

آیاتی که در مورد غدیر خم نازل شده است، توجه کنید. پیغمبر ما از همه انبیاء بیشتر زحمت کشیدند. پیغمبر فرمودند: هیچ پیغمبری به اندازه من اذیت نشد. دندان مبارکش را شکستند. پیشانی را شکستند. تهمت مجنون و ساحر و کذاب زدند. سه سال در شعب ابی طالب بودند و از همه چیز تحریم بودند. در هشتاد جنگ حضور داشتند. یکی از بزرگان فرمود: سیزده سال در مکه پیغمبر را اذیت کردند و در مدینه هم دائم در جنگ بودند. ۲۳ سال زحمت‌های فوق العاده و طاقت فرسا کشیدند. آیه نازل شد: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَك» (کهف/۶) می‌خواهی جانت را بدهی، که چرا اینها مؤمن و مسلمان نمی‌شوند؟ خدای بزرگ به پیامبر می‌فرماید: اگر اصلی‌ترین کار را انجام ندهی، «فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائده/۶۷) تبلیغ هم نیست. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (مائده/۶۷) در تفاسیر هست که در صدر اسلام، «ما أنزل اليك من ربك في علي» اینگونه می‌خواندند که یادشان باشد این در مورد حضرت علی است. که این مطلب در تفاسیر اهل سنت، در المنصور آمده است.



می‌فرماید: اگر این کار را نکنی همه رسالت و نبوت تو پوچ است. واقعاً هم همینطور است. اگر کسی جانشین تعیین نکند. مدیریت تا قیامت است. تا قیامت چند سال طول می‌کشد؟ نمی‌دانیم. پیغمبری که افضل پیغمبران است و خانم پیغمبران است، واجب است که جانشین تعیین کند.

پیامبری که برای تأسیس حکومت اینقدر خون دل خوردند، نمی‌شود رها کند برود. آیاتی که نازل شده، «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ» (مائده/۳) امروز من دین شما را کامل کردم. آیا یک فرع، یک نماز، یک قربانی و یک حج، اگر نباشد دین متلاشی می‌شود؟ نه! اینها فروعات و شاخ و برگ است. این ریشه و اصل است. این اصل امامت دین شما را کامل می‌کند. امروز نعمت تمام می‌شود. امروزی که رهبر امت تعیین شد، خدای بزرگ می‌فرماید: من راضی شدم که اسلام دین شما باشد.

یکی از مراجع بزرگ فرمودند: اسلامی که امیرالمؤمنین امام و خلیفه بلا فصل پیغمبر نباشد، «ما رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» اسلام منهای امیرالمؤمنین، خدای متعال می‌فرماید: راضی نیستم اسلام دین شما باشد. امروزی که مولا علی نصب شده است، «يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا» (مائده/۳) امروز فاتحه کفار خوانده می‌شود. نا امید می‌شوند. چون سکان دار عالم کار را به دست گرفت و کفار شکست می‌خورند.

یکی از نکات دیگر این است که شیطان شش هزار سال عبادت کرد. در خطبه قاصعه در نهج البلاغه مفصل هست. که شیطان در آسمان چهارم بود، معلم ملائکه بود. فهم و شعور و عقل داشت. چه باعث شد زمین بخورد؟ بخاطر اینکه خدا فرمود: من از طرف خودم خلیفه معین می‌کنم، همه کرنش و تعظیم کنید و قبول کنید. عبادت و فهم و عقل داشت، حتی من یکبار گفتم که شیطان موعظه‌هایی به پیغمبران و انبیاء دارد. مرحوم ملا اسماعیل سبزواری، کتابی به نام «ابلیس» دارد که روایت‌های شیطان را آورده است. شیطان خیلی از چیزها را می‌داند. چه شد که از اوج به قعر جهنم افتاد؟ خدا گفت: به خلیفه من تعظیم و کرنش کن و او را قبول کن. گفت: نه! من بهتر هستم. من به آدم سجده نمی‌کنم. پذیرش ولایت مهم‌ترین عبادت است. مهم‌ترین بندگی است.

امام هشتم(ع) فرمودند: مثل کسانی که امامت و رهبری مولا علی(ع) را پذیرفتند و پایدار ماندند و قبول کردند،

مثل ملائکه است که به حضرت آدم سجده کردند و قبول کردند و مقرب درگاه شدند. مثل کسانی که معاند هستند و امر خدا و پیغمبر خدا را قبول نمی‌کنند، مثل ابلیس است که تکبر کرد «أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره/۳۴) این روایات را اهل سنت هم فراوان نقل کردند، پیغمبر فرمود: «عَلَى خَيْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبَى فَقَدْ كَفَرَ، عَلَى مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ» امیرالمؤمنین بعد از پیغمبر برترین انسان‌هاست و رتبه دوم عالم برای ایشان است. اگر کسی زیر بار نرود یا کفر ورزیده است یا ناشکری کرده است. کافر هم کفران می‌کند و حق را می‌پوشاند. روز روشن را انکار می‌کند و می‌گوید: روز نیست! همه انبیاء جانشین



داشتند، پیغمبر ما جانشین نداشتند؟ این درست است؟ شیعه و سنی نقل کردند که کسی امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. امام فاطمه زهرا(س)، بعد از پیغمبر چه کسی بود؟ این خیلی مهم است.

یکی از علمای بزرگ با امام جماعت مسجد الحرام همین بحث را مطرح کرد، نتوانست جواب بدهد و گفت نمی‌توانم. گفت: شما قبول داری که پیغمبر خدا فرمود: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (کمال‌الدین/ج ۲/ص ۴۰۹) حدیث مسلم است و همه نقل کردند. کسی امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟ قبول کرد. فرمود: بعد از پیغمبر که از دنیا رفتند، امام زمان حضرت زهرا چه کسی بود؟ سه حالت دارد. ۱- العیاذ بالله کسی بگوید: حضرت زهرا امامش را نشناخت. آیه تطهیر در موردش نازل شده است. پس حتماً امامش را شناخته است. اگر بگوید: امامش غیر علی(ع) کس دیگری بود. بیعت کردند، مقابله کردند، خطبه فدک خواندند.

حضرت زهرا فرمودند: بعد از جریان غدیر خم خداوند حجت را تمام کرد. قطعاً با هیچ کس بیعت نکردند. فقط تنها کسی می‌ماند حضرت علی است که دفاع هم کردند. رضای او رضای خداست. غضب او غضب خداست. همه چیز او خدایی است.



تعصب چیز بدی است. شیعه و سنی و کافر هم تعصب داشته باشند بد است. در امور اعتقادی تعصب را کنار بگذارید. چه کسی می‌تواند همتای امیرالمؤمنین باشد؟ چه کسی می‌تواند در شجاعت به پای علی برسد؟ چه کسی در خیبر را کند؟ دیگران نتوانستند این کار را بکنند؟ چه کسی عمر بن عبدود را از بین برد؟ چه کسی ضربتش بالاتر از عبادت جن و انس است؟

احمد بن خلیل نحوی معلم علم عروض در ادبیات است. از او پرسیدند: به چه دلیل شیعه شدی؟ یک کلمه پاسخ داد: تمام صحابه و مسلمان‌ها به امیرالمؤمنین در علوم مختلف و همه چیز مراجعه می‌کردند، همه به او محتاج بودند، میلیاردها جایزه می‌دهیم به کسی که بگوید: یک جا حضرت علی بگوید: من نمی‌دانم و از کس دیگری پرسیدند؟ همه به او مراجعه می‌کردند ولی او به کسی مراجعه نمی‌کرد. یک نهج‌البلاغه مثل او بیاورند. یک دعای کمیل بیاورند. خطبه بدون نقطه، خطبه بدون الف دارند. سخنرانی بدون نقطه کردند. اینها خیلی مهم است.

روز غدیر خم پیغمبر خدا فرمودند: من اولی به تصرف در شما نیستم؟ ولی و قیم و رهبر و سرپرست شما نیستم؟ گفتند: چرا. فرمودند: همان سرپرستی و ولایتی که بر شما دارم، هرکسی که من مولا و ولی او هستم، این آقا هم مولا

و ولی اوست «من کنت مولاہ فعلی مولاہ» بعد ہم دعا و نفرین کردند. «اللہم وال من والاہ و عاد من عاداہ» هرکس دوست اوست، او را دوست بدار. هرکس دشمن است، دشمن بدار. «و انصر من نصرہ» یاری کن هرکس علی را یاری می‌کند. چرا حضرت علی خانه نشین شد؟ امام صادق گریه کرد و ناراحت شد. فرمود: کسی دو شاهد داشته باشد حقش را می‌گیرد. جد من هزاران شاهد داشت. مثل قوم موسی که کوتاهی کردند و رفتند گوساله پرست شدند. چطور می‌شود بعد از هفتاد روز فراموش کردند؟ پیغمبر ما سه روز مردم را نگه داشتند. بعد از مناسک حج در بیابان که امکانات نبود، از زن و مرد هم بیعت گرفتند. یک تشت آبی گذاشتند، که همه بانوان بیایند به عنوان بیعت دست در آب بزنند.

آیت الله نجم الدین طبرسی که در قم از مدرسین و متخصصین امامت و مهدویت در قم هستند. ایشان فرمودند: یک عالم بزرگ اهل سنت از آفریقا به قم آمده بود. در کتابخانه آمد و با هم دیداری داشتیم. گفتم: چرا شما تشیع را نمی‌پذیرید؟ گفت: ما مدرک و دلیل نداریم؟ گفتم: بر امامت و ولایت حضرت علی این همه دلیل داریم، نمونه‌ها را از جمله غدیر را گفتم. که در غدیر خم قبول ندارید که پیغمبر مردم را نگه داشت و از آنها بیعت گرفت. مرحوم علامه امینی دهها مدرک برای غدیر می‌آورد. گفتم: در جریان غدیر آقا بیعت گرفتند، گفت: اینجا مولا به معنی دوست است؟ این همه جمعیت را جمع کردند که بگویند: من علی را دوست دارم، شما هم دوست بدارید. گفتم: اگر از خلفای خود شما بگویند: ولی و مولا به معنی قیم و سرپرست است قبول می‌کنی؟ گفت: بله. گفت: کتاب صحاح ستہ اهل سنت را آوردم. نوشته: عُمَر گفت: بعد از پیغمبر ابوبکر ولی و مولای امت شد. بعد از ابوبکر من عمر ولی و مولای این امت شدم. گفتم: این ولی و مولا به چه معنی است؟ گفت: به معنی امامت و رهبری است. گفتم: چطور عمر اگر بگوید: ولی و مولا به معنی امامت و رهبری

است، اما پیغمبر بگوید نیست؟ این آدم شروع به گریه کرد. گفت: هیچکس تا به حال به این محکمی برای من توضیح نداده بود. این آدم شیعه شد و گفت: من سه میلیون مرید دارم، می‌روم آنها را هم شیعه می‌کنم.

آداب غدیر



از فضیلت ذکر صلوات می‌شنویم.

در همه مناسبت‌ها خصوصاً چنین مناسبت‌هایی مداومت بر صلوات سفارش شده است. در روایت داریم کسی به امام صادق (ع) گفت: ما در روز غدیر چه کنیم؟ فرمود: یکی اینکه روزه بگیرید. در روایت دیگر غسل هم هست. نماز هم هست. قبل از ظهر غدیر هم نماز دارد، هم دعاها، خیلی خوبی دارد. زیارت غدیری که از امام هادی (ع) است، انشاءالله استفاده کنید که در مفاتیح هم هست. یکی هم صلوات فرستادن زیاد بر محمد و آل محمد است. از دشمنان مولا علی و اهل بیت هم بیزاری می‌جوید. یاد خدا و صلوات و یکی هم اینکه در این روز هر قدر انسان می‌تواند به عهد و عیالش توسعه بدهد.

غدیر اولاً ایام خیلی مهمی است. امام هشتم (ع) فرمودند:

گناه شصت سال زن و مرد مؤمن را

خدا در غدیر می‌آمرزد.

خیلی روز مهمی است.

هم شب و هم روز غدیر

خیلی مهم است. غدیر

مهم‌ترین روز عالم

است. سه بار

فرمود: واللّٰه روزی

بالاتر از غدیر خدا خلق

نکرده است. مهم‌ترین

مهم‌ترین شبها شب قدر

است. پیغمبر ما فرمود: هر شب یک میلیون نفر، شب قدر

عفو عمومی، شب جمعه ماه رمضان هر ساعتی یک میلیون،

شب عید فطر چقدر خدا می‌آمرزد. از آتش جهنم آزاد

می‌کند. امام هشتم فرمود: دو برابر ماه رمضان و شب قدر،

و شب عید فطر و شب آخر ماه رمضان، خدا در عید غدیر

آدم‌ها را از آتش جهنم آزاد می‌کند. سعی کنیم بذر این

ولایت و محبت را محکم بکاریم. پیغمبر ما روز غدیر

سفارش کردند: تا روز قیامت حاضرین به غایبین و پدران

به فرزندان مبلغ ولایت باشند.

کسی حرف زیبایی می‌زد و می‌گفت: پیغمبر می‌خواهد امت

را دست پدر بدهد. «عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ

فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا» (من لایحضره الفقیه/ج ۲/ص ۶۱۵) یعنی

همه دنیا و آخرت که مشکل پیدا کرده است، بخاطر فاصله

گرفتن از ولایت است.

یکی از آداب مهم عید غدیر هم اطعام دادن و هم صله

دادن است. که صله دادن و عیدی دادن دویست هزار برابر

است. در روایت داریم حضرت علی (ع) فرمودند: قرض بکن



عیدی بده و به برادرانت عیدی بده. اگر آنهایی که اطعام

می‌کنند و عیدی می‌دهند، من ضامن می‌شوم زنده یا مرده

خدا دین آنها را ادا کند. آنهایی که در ایام غدیر عیدی

می‌دهند و اطعام می‌کنند، ضمانت می‌کنم خدا اینها را از

کفر و فقر در امان بدارد. کسی اگر کدورتی دارد، به برکت

این روز ببخشد. امیرالمؤمنین فرمود: کسی به یک مؤمن

افطاری بدهد، مثل این است که فئام را اطعام داده است.

ده بار فئام را فرمودند. یک نفر بلند شد وسط خطبه فرمود:

فئام یعنی چه؟ فرمودند: فئام یعنی دویست هزار نبی و

صدیق و شهید، دویست هزار را در ده ضرب کن، ده فئام،

اطعام دادن به یک مؤمن مثل این است که دو میلیون

پیغمبر و صدیق و شهید را اطعام کرده است. اطعام غدیر از

عاشورا و نیمه شعبان و از همه مناسبت‌ها مهم‌تر است. این

ثواب اطعام برای یک نفر است. اگر کسی یک جمعی را

اطعام بدهد، چه خواهد شد؟

از علی بن موسی الرضا در بحار الانوار است. عده‌ای در روز

غدیر خم در محضر حضرت علی بن موسی الرضا (ع) بودند.

حضرت در ایام غدیر اینها را نگه داشت و فرمود: زمان

افطار و طعام با من باشید. از آنها پذیرایی کرد. آنهایی که

مهمانی آمده بودند را نگه داشت و پذیرایی کرد. بعد

حضرت به خانه‌هایشان غذا و گندم فرستاد. لباس و چادر

فرستاد. حتی انگشتری و کفش برای خانواده‌هایشان

فرستاد. امام هشتم سعی می‌کرد در غدیر خم حال خودش

و دوستان و اطرافیانش را متغیر کند. کسانی که می‌خواهند

برای خانواده‌هایشان هدیه بخرند در این روز بخرند.

روز عید غدیر روز بیعت با امام زمان است. در کاروان‌های

شادی شرکت کنید که اینها خودش اعلان ولایت و امامت

امیرالمؤمنین است. این اعلان عمومی ولایت امیرالمؤمنین

آثار و بازتاب فوق العاده‌ای دارد.



میان شما و پندپذیری، پرده‌ای از غرور
و خودخواهی وجود دارد. (حکمت ۲۸۲)

هر گاه خدا بخواهد بنده‌ای را خوار کند،

دانش را از او دور سازد. (حکمت ۲۸۸)

در گذشته برادری دینی داشتم که در چشم

من بزرگ مقدار بود چون

اگر در سخن گفتن بر او پیشی می‌گرفتند در سکوت

مغلوب نمی‌گردید. (حکمت ۲۸۹)



سید علی اندرزگو، به سال ۱۳۱۸ هجری شمسی و در
ظهر یکی از روزهای ماه مبارک رمضان متولد
شد. پدرش سید اسد الله اندرزگو در بازارچه گمرک
تهران، حوالی میدان شوش و پایین خیابان صفاری
منزل داشت. وی ابتدا بنایی پیشه کرد، ولی چون
ورشکسته شد آن را رها کرد و به خرده فروشی روی
آورد و در گوشه‌ای از میدان شوش مشغول کسب
شد. از این رو، طبیعی بود که سید علی و برادرش از
همان اوایل نوجوانی به کسب و کار مشغول شوند تا
کمکی برای معاش خانواده خود باشند

سید علی از هفت سالگی به مدرسه رفت و شش سال
در دبستان فرخی درس خواند و چون همزمان با
تحصیل مجبور بود کار کند، از سن دوازده سالگی در
چهار سو بزرگ بازار تهران و در مغازه‌ای نجاری
مشغول به کار شد. وقتی دوره ابتدایی را گذراند، به
میل خود به درس طلبگی پرداخت و تحصیل در
مدرسه را ادامه نداد. او همچنان مجبور بود روزها به

سیری در زندگی و مبارزات شهید سید
علی اندرزگو



کار و کسب روزی بپردازد و شبها دروس حوزوی مورد علاقه خود را فراگیرد. سید علی ابتدا در محضر آقای بروجردی در مسجد قندی به تلمذ پرداخت. او بتدریج دروس مقدماتی را طی سه سال خواند. سپس به اتفاق برادر دیگرش سید محمد، در محضر آقای محمد هرنندی به تحصیل پرداخت

این دوره نیز پنج سال طول کشید.

سید علی سیزده ساله بود که خانواده اش فهمیدند ذهن وی مشغول برخی مسائل غیر عادی شده است. سید حسین، برادر بزرگتر او می گوید: روزی مادرم گفت: «حسین! سید علی به خانه نیامده است.» هر چه گشتیم او را پیدا نکردیم. بعد از یک هفته جستجو، او را در دروازه دولت پیدا کردم. در جواب من که پرسیدم کجا بودی، گفت: رفته بودم مشهد برای زیارت امام رضا (ع). گفتم: چرا بی اجازه رفتی؟ چرا کارت را رها کردی؟ این ماجرا وقتی رخ داد که او شاگرد نجار بود و چمدان چوبی می ساخت.

سید علی اندرزگو همچنان در اندیشه مسائل اجتماعی و بویژه شناخت علت مشکلات مردم غوطه ور بود. البته طبیعی بود که طبق نظرگاههای غالب آن روز علت اصلی همه مصیبتهای مردم ایران را شخص شاه بداند. او گاه این اندیشه را به زبان می آورد. یک بار برادرش بعد از جستجوهای زیاد او را که دوباره چند روزی از چشم همه پنهان شده بود، پیدا کرد و دست او را گرفت و آورد، ولی بر خلاف انتظار شنید که سید علی فریاد می زند و می گوید: و لم کن، این چه مملکتی است؟ این چه زندگی است؟ این چه شاهی است؟ و در خیابان داد می زد: اصلا این مملکت، مملکت نیست، آدم دارد خفه می شود و نمی تواند حرفی بزند. البته این موقعیت فکری و اجتماعی خاص

سید علی ناشی از آگاهی او از وضعیت نا مطلوب جامعه در سالهای ۳۱- ۱۳۳۰ بود. سید علی در این سالها بتدریج جذب اندیشه های فداییان اسلام شد و به این گروه و شخص نواب صفوی اظهار علاقه و احساس کرد. در واقع، سید علی اندرزگو از گروه نوجوانان مذهبی آن روزگار و نمودی از یک جریان اسلام گرایی است که آرمانها و آزادیهای خود را از سوی حکومت پهلوی در خطر می دید و احساس خفگی می کرد. گاه این احساسات سید علی را بسیار به هیجان می آورد، چنان که برادرش می گوید: یک روز سید علی در خیابان اسماعیل بزاز از دست من فرار کرد و شروع کرد به فحش دادن به شاه و می گفت این مملکت دارد از دست مردم می رود.

باری، سید علی با این روحیه و احساسات و آگاهی کار جدی را شروع کرد. برادر وی، سید حسین اندرزگو، که متوجه اندیشه و خیالات او شده بود، او را به یکی از مجامعی که پاتوق جوانان پرشور و حال بود، برد و در واقع به آن مجمع وصل کرد. این حلقه جدید هیات حاج صادق امانی بود که در خیابان لرزاده تشکیل می شد. بدین ترتیب، سید علی با گروهی از افراد فعال و همفکر خود ارتباط یافت و در راستای فعالیتها و اقدامات آنان قرار گرفت که مسیر حرکت آینده اش روشنتر و هدفمندتر شد. اکنون وی می توانست در مکانی مشخص فعالیتهايش را متمرکز کند و از راهنمایی افرادی چون حاج صادق امانی که متأثر از حرکت فداییان اسلام بود، برخوردار شود. ظاهراً از این ایام است که سید علی روش مبارزه مخفیانه را پیش می گیرد و حتی با نواب صفوی و بقیه دوستانش همکاری می کند. احتمالاً او از طریق صادق امانی با گروه فداییان اسلام و اندیشه های آنان آشنا شده

شدند. بدین ترتیب، اندرزگو زندگی عادی و دوران نوجوانی را با فعالیت در هیاتهای مذهبی گذراند و کوله باری از تجربیات و فعالیتها اندوخت.

منبع : حماسه شهید اندرزگو ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

خطبه شششنبه

خطبه شششنبه که در در بیان مسائل امامت و انتقاداتی به خلفای سه گانه است، یکی از خطبه‌های بحث برانگیز نهج‌البلاغه است. امام در این خطبه عملکردهای خلفا را نقد می‌کند و اصل خلافت هر یک از آنان را زیر سؤال می‌برد. وی همچنین به هجوم مردم برای بیعت با او و نیز سه گروه ناکثین، قاسطین و مارقین اشاره و سرانجام وجه پذیرش حکومت توسط خویش را بیان می‌کند

مطهری این خطبه را یکی از زیباترین خطبه‌های نهج‌البلاغه می‌داند از ابن عباس نقل شده است که به دلیل آمدن نامه‌ای از کوفه امام این خطبه را قطع کرد و با وجود اینکه از ایشان تقاضا کردم این خطبه را ادامه دهد، آن را ادامه نداد و من آن‌گونه که از قطع این خطبه و سخنان حضرت علی(ع) متأسف شدم در کل عمر خود از قطع هیچ سخنی متأسف نشده بودم.

بود. در این ایام سید علی شانزده ساله بود. این سن سرآغاز فعالیتها منظم و مستمر سیاسی وی محسوب می شود که مقارن با پیوستن او به هیات حاج صادق امانی بوده است. به تعبیر دیگر، تا وقتی که او به هیات مزبور نرفته بود، فعالیت سیاسی نداشت.

از فعالیتهای سید علی اندرزگو در دهه ۱۳۳۰ اطلاع زیادی در دست نیست در این دوران جامعه از نظر سیاسی فضای پر اختناقی داشت که گروهها و دستجات سیاسی در اوضاع کشور نقش نداشتند. برعکس، موقعیت برای تحکیم دیکتاتوری پهلوی و یکه تازی امریکا در عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور و سرکوب حرکت‌های مستقل و حتی مذهبی مانند جریان محاکمه و اعدام فداییان اسلام مناسب بود. نه از حزب خبری بود، نه از دسته و تشکیلاتی دیگر. تنها روزنه تنفس افراد جامعه محافل و مجامع غیر سیاسی و ادبی و فرهنگی بود. البته برخی گروههای زیرک و هوشیار در لوای محافل غیر سیاسی یا کار سیاسی می کردند و یا زمینه های فعالیت سیاسی را می چیدند، ایام دهه سی به سرعت می گذشت. در این هنگام سید علی در یک نجاری در بازار مشغول کار بود.

همچنان ارتباط سیاسی - اجتماعی خود را با هیات صادق امانی حفظ کرد. اعضای هیات با علما و روحانیانی که در مساجد محل، دروس مختلف مذهبی و اعتقادی را آموزش می دادند، ارتباط داشتند و غالبا برای دیدار با مراجع به قم نیز سفر می کردند و از این راه با مسائل سیاسی و موضع گیریهای علما آگاه می



چند دقیقه با دانستنی ها

✓ نام وی محمد و نام پدرش زکریا و کنیه اش ابوبکر است. مورخان شرقی در کتابهایشان او را محمد بن زکریای رازی خوانده‌اند، اما اروپائیان و مورخان غربی از او به نام‌های رازس **Rhazes** و رازی **Al-Razi** در کتاب‌های خود یاد کرده‌اند. به گفته ابوریحان بیرونی وی در شعبان سال ۲۵۱ هجری (۸۶۵ میلادی) در ری متولد شده و دوران کودکی و نوجوانی و جوانی اش در این شهر گذشت.

✓ رازی از تفکرات فلسفی رایج عصر خود که فلسفه ارسطویی - افلاطونی بود، پیروی نمی‌کرد

✓ رازی، پزشک و طبیعت شناس بزرگ ایرانی را پدر شیمی یاد کرده‌اند،

✓ در فرآیند دانش کیمیا به علم شیمی توسط رازی، نکته‌ای که از نظر محققان و مورخان علم، ثابت گشته، نگرش «ذره یابی» یا اتمسیتی رازی است.

✓ رازی مکتب جدیدی در علم کیمیا تأسیس کرده که آن را می‌توان مکتب کیمیای تجربی و علمی نامید.

✓ در شیمی رازی توانست مواد شیمیایی چندی از جمله الکل و اسید سولفوریک (زیت الزاج) و جز این ها را کشف کند. رازی در علوم طبیعی و از جمله فیزیک تبصره داشته است

✓ اگر همه می‌توانستند از استعدادهای خود درست بهره بگیرند، دنیا همان بهشت موعود می‌شد که همه می‌خواهند. رازی

مسابقه پیامکی

۱- فلسفه ی قربانی کردن در یک کلام یعنی...

۲- مولا در بخش غدیر بر چه دلالت دارد؟

۳- یکی از آداب مهم عید غدیر چیست؟

۰۹۳۶۴۰۱۵۱۸۶ راه ارتباط با ما

غدیر، ریزش باران الطاف رحمانی بر
گلزار جان‌های تشنه است.

غدیر، برکت همه احساس‌های معنوی و دریای جاری
خیرات نبوی است.

در غدیر بود که تیرگی‌ها فراری شدند و نورانیت
محض، خودنمایی کرد.

در غدیر بود که قیافه ایمان،

تماشایی شد و شاخه‌های

عشق، بر تن ایمان روید.

در غدیر بود که درخت

هستی، به کمال رسید.

در غدیر بود که قرابت انسان با

خدا آشکار شد.

در غدیر بود که نیلوفر عشق،

بر گرد محور زمین پیچید.

در غدیر بود که جوانه جاودانه ولایت عاشقانه، سر

برکشید.

...در غدیر بود که

غدیر، سفره‌ای است که برای تمامی گل‌ها پهن
کرده‌اند.

غدیر، گلبانگ عاشقانه و جاودانه هستی است.

غدیر، یک اتفاق ساده نیست؛

یک گزینش رحمانی است.

غدیر، یک کلمه نیست، یک

برکه نیست؛ یک دریاست؛

رمزی است بین خدا و انسان.

غدیر، گل همیشه بهار زندگی

است. دریایی بی‌کرانه است؛

جاری بر جان‌های پاک و

اندیشه‌های تابناک.

غدیر، تجلی خواست خالق،

روح آفرینش، برانگیزاننده ستایش و دست‌های بلندی

است که انسان خاکی را به افلاک می‌کشاند.

